

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۷ جنوری ۲۰۲۲

متن سخنرانی دهم دسامبر ۲۰۲۱ بهرام رحمانی درباره دادگاه حمید نوری

(در برنامه مشترک کمیته حقوق بشر و روابط عمومی کانون دوستداران فرهنگ ایران - واشنگتن دی سی)

دوستان گرامی من هم به نوبه خودم به شما خوش آمد می گویم. و از دست اندرکاران برگزاری این برنامه هم نهایت تشکر را دارم.

در ابتدا می خواهم به این موضوع مهم اشاره کنم که در برخی گزارشات و مطلب منتشر شده در شبکه های اجتماعی حمید نوری را آدمی دیوانه و ناآگاه معرفی می کنند در حالی که به نظر من نوری بسیار هوشیار است و به سیاست ها و اهداف و ایدئولوژی حکومت شان نیز احاطه دارد. به نظر من گفتن دیوانه به یک جانی که آزادانه و آگاهانه در بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی خدمت کرده کم کردن جرم اوست. چرا که دیوانه را نه به دادگاه و محاکمه، بلکه باید به دست روان شناس و روان پزشک سپرد.

شکجه گران از کرات دیگری نازل نشده اند. آن ها محصول فرهنگ خشونت، اختناق، و دیکتاتوری هستند. در برخی از حکومت های مستبد همچون جمهوری اسلامی ایران مقامات زندان ها و شکجه گران باید دوره های آمادگی را چه از لحاظ نظری و چه از جنبه عملی با موفقیت به پایان برسانند. در آموزش های تئوریک مرتباً به آنان تبلیغ می کنند که مخالفین حکومت باید نیست و نابود شوند. کلیه رسانه ها و سخن گویان و مقامات حکومتی همواره علیه مخالفین تبلیغ می کنند تا به جامعه بقبولانند آن ها دشمن هستند و باید کشته شوند.

حتماً شما عزیزان غیر از مشاهدات کنونی تان از جمهوری اسلامی ایران، کتاب ها و رمان های مختلفی درباره حکومت های دیکتاتوری مطالعه کرده اید و یا مثلاً کتابی مانند رمان سور بز را خوانده اید و می دانید که سیستم حکمرانی در این موارد چگونه است. اما چیزی که در این کتاب عجیب است، عشق ورزیدن مردم به دیکتاتور خودشان است. رمان سور بز اثر ماریو بارگاس یوسا، یکی از مهم ترین رمان نویسان و مقاله نویسان معاصر آمریکای جنوبی و از معتبرترین نویسندگان نسل خود است. یوسا که نویسنده کتاب های بزرگی مانند: سور بز - جنگ آخرالزمان - سال های سگی - گفت و گو در کاتدرال و ... است، در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. موسسه نوبل در وصف آثار او چنین نوشته است:

«برای نمایش ساختار قدرت و تصویرهای بُرنده از مقاومت ها، شورش ها و شکست های فردی.»

سور بز داستان زندگی تروخیو یکی از بدنام‌ترین و فاسدترین دیکتاتورهای آمریکای لاتین است. کسی که برای ۳۱ سال بر کشور دومینیکن حکومت کرد و هر نوع مخالفتی را سرکوب و از بین می‌برد.

۲۵ نوامبر برابر با ۴ آذر روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» است، این روز که سالگرد قتل خواهران میرابل است، از سوی سازمان ملل متحد مبنایی نمادین برای الزام به توجه و اهمیت به زنان و انواع خشونت علیه آنان نام‌گذاری شده است.

خواهران میرابل چهار خواهر اهل جمهوری دومینیکن با نام‌های «پاتریا»، «مینروا»، «ماریا ترزا» و «دیده» بودند که از مخالفان دیکتاتور معروف «تروخیو» (رافائل لئونیداس تروخیو مولینا با نام مستعار ال هفه) حاکم نظامی جمهوری دومینیکن به شمار می‌رفتند. تروخیو بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۸ و سپس از ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۲ رسماً رییس جمهور دومینیکن بود و دوران حکومتش خشن‌ترین دوره در تاریخ جمهوری این کشور به حساب می‌آید.

خواهران میرابل در فعالیت‌ها و مبارزات مخفیانه علیه حکومت او مشارکت داشتند. سه خواهر از چهار خواهر (پاتریا، مینروا و ماریا ترزا) در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ به جرم شرکت در فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن به قتل رسیدند.

۲۱ سال بعد یعنی سال ۱۹۸۱ در همایشی که در بوگوتا پایتخت کشور کلمبیا با شرکت مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب تشکیل شد، پیشنهاد شد روز قتل خواهران میرابل روز منع خشونت علیه زنان نام‌گذاری شود. هدف از این اقدام آن بود تا افکار عمومی جهانیان بیش از پیش به نفی خشونت نسبت به زنان متمرکز شود. سازمان ملل متحد نیز در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ این روز را در تاریخ مناسبت‌های این سازمان گنجانده تا از این طریق همه ساله دولت‌ها و مردم جهان به این موضوع مهم توجه کنند.

در فصل‌های مختلف کتاب ارادت مردم به تروخیو موج می‌زند و می‌بینیم که جلوی در هر خانه‌ای نوشته‌ای در ستایش از تروخیو وجود دارد. در واقع می‌بینیم که میلیون‌ها آدم، له شده زیر بار تبلیغات و نبود اطلاعات، خو کرده به توحش به زور تلقین و انزواء محروم از اراده آزاد و حتی از کنجکاوی، به سبب ترس و عادت به بردگی و چاپلوسی، قادر بودند تروخیو را پرستش کنند. نه این‌که فقط از او بترسند، بلکه دوستش داشته باشند، به خودشان اطمینان می‌دادند که شلاق و کتک به صلاح‌شان است، محض خیرخواهی است.

نفوذ تروخیو در ذهن مردم در حدی است که آن‌ها وقت‌شناسی و وقت‌شناس بودن را از جمله فضیلت‌هایی می‌دانند که تروخیو با خود آورده است! جالب است که بدانید این رمان براساس واقعیت نوشته شده است. (عنوان: سور بز - نویسنده: ماریو بارگاس یوسا - ترجمه: عبدالله کوثری - انتشارات: علم - تعداد صفحات: ۶۲۳)

با این مقدمه، به مسایل سیاسی و اجتماعی و قضایی محاکمه حمید نوری در دادگاهی در استکهلم، به ویژه در شش جلسه اخیر که «دفاع و بازپرسی» از حمید نوری بود بپردازم. جالی است که او در این جلسات دادگاه از خودش دفاع نکرد بلکه با یک سخنرانی سیاسی و با قدرت از سیاست‌ها و ایدئولوژی جمهوری اسلامی دفاع کرد. به همه مخالفین حمله کرد. همه جنایات بیش از چهار دهه حکومت‌شان را دروغ خواند و حتی حملات شدیدی به آیت‌الله منتظری کرد که تاکنون سایر سران و مقامات حکومت چنین حملاتی را به او نکرده‌اند.

حمید نوری متولد ۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ در تهران است. او یکی از اعضای سپاه پاسداران بود که نقش فعالی در سرکوب، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی داشته است. نوری پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران در سمت کارمند دادستانی کار می‌کرد. او یکی از دستیاران نزدیک سیدابراهیم رئیسی بود. رئیسی یکی از مسئولین «هیأت مرگ» در زندان‌های اوین

و گوهر دشت (زندانی رجایی شهر) کرج بوده است. حمید نوری به خاطر نقش فعال خود در این امر به سرعت ارتقاء یافته و به درجه دادیاری اوین و گوهر دشت رسیده بود.

هشتم نوامبر ۲۰۱۹ که حمید نوری از ایران به سمت سوئد پرواز کرده دو تلفن همراه با خود داشته که سیمکارت یکی از آن‌ها را در طول پرواز نابود می‌کند. در اولین بازجویی (۱۲ نوامبر ۲۰۱۹) که از او رمز ورود به تلفن دوم را می‌خواهند با برافروختگی می‌گوید تلفن وسیله خصوصی اوست، هیچ‌کس حق ندارد اموال خصوصی دیگری را کنترل کند، این کار غیر اخلاقی، غیر انسانی، و خلاف حقوق بشر است. بازجویان با شکستن کد تلفن حمید نوری و دسترسی به ۷ هزار و ۲۹۱ آدرس تماس-پیام و صدها عکس، از همان روزهای اول به یقین می‌رسند که حمید نوری نه فقط با اشخاص شاغل در زندان‌های اوین و گوهر دشت و دیگر مقامات قضایی بالار تبه همچنان در تماس و رفت و آمد است بلکه همچنان از نام مستعار «حمید عباسی» استفاده می‌کند.

زندانیان سیاسی دهه ۱۳۶۰ در زندان‌های اوین و گوهر دشت، همگی حمید نوری را به نام «حمید عباسی» می‌شناختند. انگس کالامارد، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی در سازمان ملل متحد درباره دستگیری و محاکمه حمید نوری گفت: این نخستین گام مهم به سوی عدالت درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ است.

بازداشت حمید نوری نخستین مورد از بازداشت یکی از اعضای کشتارهای سال ۱۳۶۷ در خارج از مرزهای ایران است. حمید نوری به گفته خودش تا قبل از دستگیری نزدیک به ۱۰ بار به اروپا مسافرت داشته و گاهی نیز در سوئد اقامت موقت داشته است. اما در آخرین سفر خود به سوئد دستگیر شد.

علت اصلی شناسایی و دستگیری حمید نوری، همسر سابق دختر خوانده اوست که به دلیل اختلافات خانوادگی اطلاعات و سوابق او را به پلیس سوئد داده است. این فرد هرش صادق ایوبی نام دارد که یک ایرانی تبار و همسر سابق دختر خوانده حمید نوری است. حمید نوری قرار بود در خانه ایوبی مستقر شود. به گفته هرش، حمید نوری در اکتبر ۲۰۱۶ به فرانکفورت و در دسامبر ۲۰۱۷ و سپتامبر ۲۰۱۸ به سوئد سفر کرده بود. حمید نوری در سفر ۲۰۱۸ به سوئد مدت کوتاهی در فرودگاه آرلندا در استکهلم عمداً توسط پلیس متوقف شد.

واحد ملی مبارزه با جنایات سازمان یافته دادستانی سوئد از همان ابتدا، در بیانیه ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ خود، فهرست اتهامات منجر به بازداشت حمید نوری را چنین توصیف کرده است:

«یک شهروند ایرانی امروز بر اساس شواهد و آیه کافی موجب ظن قوی به ارتکاب جرم علیه قوانین بین‌المللی، جنایت فاحش و قتل عمد از ۲۸ ژوئیه تا ۳۱ اوت ۱۹۸۸ در تهران، ایران، توسط دادگاه ناحیه استکهلم بازداشت شده است.»

دادستانی سوئد در بیانیه خود درباره کیفرخواست خود علیه نوری، به کشتار زندانیان سیاسی مجاهد و چپ اشاره کرده است. اتهام‌های مطرح شده در کیفرخواست علیه حمید نوری عبارتند از: مشارکت در جنایت جنگی/ مشارکت در شکنجه زندانیان سیاسی/ مشارکت در جرم مستمر دزدیدن پیکر اعدام‌شدگان و بازنگرداندن اجساد قربانیان به خانواده‌هایشان.

نوری تلاش کرد آدرس دیگری را برای پیگیری پرونده‌اش به دادگاه بدهد. برای مثال او در جلسه پنج‌شنبه دوم دسامبر یک بار دیگر بر لزوم استعلام درباره اعدام اعضای «سازمان مجاهدین خلق» از دولت ایران تاکید کرد و گفت آن‌ها نه در زندان که در حمله مسلحانه به ایران کشته شده‌اند.

نوری در جواب این سؤال که پس چه بر سر زندانیان کمونیست آمد گفت: «یک سری از افراد کمونیست که اعدام شده بودند در زندان‌ها، یک سری از افرادی که آزاد شده بودند از زندان‌ها و به هر دلیلی فوت کرده بودند و یا سر به نیست

شده بودند، یا هنگام خروج از ایران در درگیری کشته شدند بودند، و یک سری از این افراد وجود خارجی ندارند. درباره مرگ این افراد از ایران باید استعلام شود تا معلوم شود این افراد مرده‌اند یا نه، پدر و مادر داشته‌اند یا نه و اگر اعدام شدند برای چه اعدام شدند.»

حمید نوری در دفاعیات خود، فتوای خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۴ مرداد را نیز انکار کرد و آن‌ها را جعل روایت و ساخته و پرداخته کمونیست‌ها و سازمان مجاهدین خلق خواند. آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۶۷، در نامه‌ای رسمی صراحتاً دستور داده بود: «کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری (حاکم شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد...»

«ابراهیم رئیسی»، از اعضای «هیات مرگ» بود که امروز رئیس دولت اسلامی ایران است، او پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ گفته بود در مورد اعدام‌های ۱۳۶۷ باید مورد تقدیر و تشویق هم قرار بگیرد. پیش‌تر نیز «مصطفی پورمحمدی»، یکی دیگر از اعضای این هیات گفته بود در ارتباط با اعدام‌های دهه ۶۰، طبق قانون و شرع اسلام عمل کرده و در طول این سال‌ها حتی یک شب هم بی‌خوابی نکشیده است. نوری همان مسیر انکارهای قبلی را پی گرفت و بار دیگر تاکید کرد که در دوران کاری خود در زندان‌های ایران، عضو دادستانی بوده و دادیار یا معاون دادیار زندان نبوده است.

حمید نوری در حالی این ادعا را پیش می‌کشد که شماری از شاهدان و شاکیان این پرونده شهادت داده‌اند او در مقام دادیار زندان گوهردشت و دست راست قاضی ناصرین «محمد مقیسه» در بازجویی از زندانیان و هدایت آن‌ها به محل اعدام‌ها نقش داشته و فهرست زندانیان برای اجرای حکم اعدام را قرائت می‌کرده است. حتی یکی از شاهدان گفته که حمید نوری را در حالی دیده که زندانیان را دار می‌زدند.

در سومین دادگاه حمید نوری در کشور آلبانی، روز جمعه ۲۱ آبان، اصغر مهدی‌زاده، عضو سازمان مجاهدین خلق، به عنوان شاکی و شاهد گفت که در «سالن اعدام» زندانیان را طناب به گردن دیده و پاسداران که چهارپایه را از زیر پای زندانیان می‌کشیدند.

به گفته او، ناصرین (محمد مقیسه) و حمید عباسی (نوری) در «سالن اعدام» حضور داشته‌اند. حمید نوری در تازمترین جلسه دفاع از خود گفته است که فرد دیگری با نام مستعار «حمید عباسی» در زندان گوهردشت حضور داشته است.

او در پاسخ به سؤال دادستان درباره حضورش در زندان گوهردشت گفت یک بار که به زندان گوهردشت رفته بود متوجه شد آن‌جا نیز فردی به نام حمید هست که نام مستعار او نیز عباسی بود.

حمید نوری در طول جلسه گفت فردی که نام مستعار او نیز حمید عباسی بوده و در زندان گوهردشت کار می‌کرده، حمید رحمانی بود. او گفت این فرد را در جریان «دوره‌های کارکنان سابق اوین» مجدداً دیده است و او مدتی پیش مرده است.

حمید نوری در این جلسه گفت «احتمال دارد» از زندانیانی که ممکن بود بعد از آزادی «شیطنت کنند»، مصاحبه گرفته باشد اما در مصاحبه جمعی با زندانیان نقشی نداشته است.

در برخی جلسات دادگاه، افرادی از خانواده نوری (همسر و دختر و پسر و همچنین دامادش) و نمایندگان از سفارت ایران در سوئد در دادگاه حاضر بودند.

در طول جلسه قاضی چند مرتبه از حمید نوری خواست تا با لحن تند و صدای بلند حرف نزده و به سؤال‌ها پاسخ دهد. حمید نوری پیش‌تر اصالت فرمان مرداد ۱۳۶۷ آیت‌الله خمینی درباره برخورد با زندانیان سیاسی را زیر سؤال برده بود و در این جلسه ادعا کرد: آیت‌الله خمینی در سالگرد انقلاب ایران در سال ۱۳۶۷ یک فرمان عفو و آزادی درباره زندانیان سیاسی صادر کرد.

در حالی که چنین ادعایی صحت ندارد.

او در جلسات دادگاه هر فرصتی که گیر می‌آورد در دفاع از خود کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ در زندان‌های تهران «جعلی و توهمی» می‌خواند. او همچنین اتهامات را «تهوع‌آور و ساختگی» خواند. حمید نوری در این جلسه دادگاه دفاع از خود بار دیگر وقوع اعدام‌ها در موج اول و دوم را منتفی و آن را «یک ادعا» دانست و گفت که کشتار ۶۷ نه در زندان‌های ایران، بلکه در مرزها روی داد. او اعدام اعضای سازمان‌های چپ را نیز دروغ خواند و مدعی شد که کمونیست‌ها با مجاهدین خلق برنامه‌ریزی کردند و داستان ۶۷ را ساختند. حمید نوری با بیان این که در ایران کسی به دلیل تعلق‌اتش به «سازمان ام» (سازمان مجاهدین خلق) اعدام نشده و به دلیل کشتن مردم اعدام شده‌اند، به اعدام کمونیست‌ها هم اذعان کرد، اما گفت که اعدام آن‌ها نه به دلیل «تفکرات کمونیستی‌شان، بلکه به خاطر انجام عملیات مسلحانه» بوده است.

حمید نوری با اشاره به چند مورد از تناقض‌ها در سندهای مندرج در کیفرخواست و روایت شاهدان در دادگاه و بازجویی‌های پلیس، کتاب‌ها و برخی از فیلم‌ها و تناقض بین فیلم‌ها با روایت‌ها پرداخت. او همچنین با اشاره به «فتوای» آیت‌الله خمینی گفت: «از منتظری گرفته تا تمام این شاهدان همگی دروغ می‌گویند.»

او در پاسخ دادستان که نظرش را در باره اعدام گروه‌های چپ در زندان گوهردشت کرج جویا شد، ادعای «ساختگی بودن کل داستان» را مطرح کرد و گفت: «نه موج اولی وجود داشت و نه موج دوم...»

طبق شواهد موجود و شهادت جان به در بردگان، موج اول اعدام‌های تابستان ۶۷ از هشتم مرداد و با حلق آویز کردن زندانیان مجاهد شروع شد. در موج دوم و از پنجم شهریور، زندانیان چپ را به دادگاه مرگ بردند و اعدام کردند.

حمید نوری در جلسات پیشین در دفاع از خود حتی مدعی شده بود که هرگز در زندان گوهردشت نبوده و در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۲ در زندان اوین بوده است.

او همچنین گفته بود در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ به علت به دنیا آمدن فرزندش در مرخصی بوده است.

حمید نوری درباره نام زندان گوهردشت نیز چنان‌که پیش‌تر ادعا کرده بود، گفت این زندان پس از کشته شدن «محمدعلی رجایی» در ابتدای انقلاب، به رجایی‌شهر تغییر نام داده بود: «هیچ‌کس در زندان اوین اصلاً نمی‌گفت گوهردشت. جرم بود. خلاف بود و با او برخورد می‌کردند.»

اما وکیل شاکیان گفت شواهد و اسنادی به دادگاه ارایه خواهد کرد که نام این زندان در اواخر سال ۱۳۶۷ به رجایی‌شهر تغییر یافته است نه به ادعای نوری در اوایل انقلاب ۱۳۵۷.

نوری درباره منتظری خطاب به وکیل شاکیان «کنت لوئیس» گفت: «آقا کنت دو دقیقه به من فرصت بدید آگه دو دقیقه بیش‌تر شد جلوی من را بگیرید. سال ۶۶ برادر دامادش اعدام شد منتظری هر کاری کرد که امام ایشونو اعدام نکنه امام دخالت نکرد. منتظری خیلی ناراحت شد از این‌جا استارت مخالفتش شروع شد. گروهک‌های ضد انقلاب بیش‌تر به خونه‌اش رفت و اومد کردند ولی هنوز علنی مخالفت شو شروع نکرده بود. سال ۶۷ دوباره مخالفت‌هاشو کم‌کم شروع کرد. گروه‌های ضدانقلاب هم مخصوصاً گروه «ام» (منظورش سازمان مجاهدین خلق) به دفتر ایشون و خونه ایشون خیلی رفت و آمد کردند. سال ۶۸ دیگه می‌خواست مخالفت شو جدی کنه که امام متوجه شد. امام خمینی چهارم فروردین

ماه سال ۱۳۶۸ نامه خیلی تندى به ايشون نوشت گفتم كه ديگه تو لياقت ندارى قائم مقام من هم نيستى، من از اول هم با تو مخالفت بودم. به خاطر اين كه معاون من بشى ششم فروردين ماه سال ۱۳۶۸ نامه ملايمى براش نوشت گفتم منتظرى من تو رو دوستت دارم بشين ديگه خونت ديگه كار سياسى نكن تو آدم ساده اى هستى خيلى راحت گول مى خورى بشين فقط تو حوزه علميه تدريس كن ديگه حق دخالت در كارهاى سياسى را ندارى.»

يك بخش از سئوالات كنت لوئيس وكيل شاكيان و شاهدان، از نوري مربوط به دوران سربازى او در كردستان بود. وكيل كنت لوئيس: خوب گفتمى كه تو رفته بودى تو اين جهاد، تازه وقتى كه سربازيت هم تمام شد تو هم موندى اونجا، اونى كه موندى اضافه بر سازمان اضافه بر سربازيت كجا بود؟ پيش سپاه پاسداران بود يا كجا بود؟ نوري: چرا گوش نمى دى به حرف من جهاد قربونت برم جهاد، چى كار دارى شما به سپاه اى بابا! جهاد سازندگى. كنت لوئيس: خوب وقتى خودت تعريف مى كردى گفتمى كه در كردستان بودى و از همون موقع كه تو اونجا بودى گروه هاى وجود داشت كه مخالف حكومت بودند درسته؟ نوري: بله

كنت لوئيس: اما چيزى كه براى من مشخص نبود اين بود حتى مجاهدين هم جزو اين ها در كردستان بودند؟ ضد حكومت مى جنگيدند يا نه؟ نوري: بودند خيلى كم بيش تر اون گروه هاى كمونيستى بودند: دمكرات، كومله، رزگارى، اين ها هم عين گروه «ام» بودند.

كنت لوئيس: فقط مى خوام بدونم چه كسايى يعنى كيا بودند كه ضد حكومت بودند و مى جنگيدند وقتى كه تو كردستان بودى؟ نوري: گفتم ديگه گروه هاى كمونيستى، چى بگم ديگه. گروه «ام» هم بود خيلى كم بودند. ديگه از اين قشنگ تر من چى جواب بدم.

... اين گروه هاى ضد انقلاب به جان كردهاى شريف استان كردستان افتاده بودند. از مردم كردستان يه بسيجى تشكيل شده بود به نام پيشمرگ هاى مردم كردستان يعنى جان شان رو براى مردم كردستان مى دهند در كنار سپاه پاسداران بودند از مردم كردستان حمايت كردند و اين سه تا گروه روشكست دادن و نابود كردن والان هيچ اثرى از شون حتى يك نفر ديگه نيست تشكر از سئوالتون.

لوئيس: پس تو يعنى مى گى كه مجاهدين از سال ۵۹ در اصل شروع كرده بودن مسلحانه ضد حكومت فعاليت كنن و مبارزه كنن؟

حميد نوري: مسلحانه نه مخالفت هاشونو شروع كرده بودن بعد از انقلاب اكثر شون اسلحه داشتن و تحويل نداده بودن در صورتى كه طبق اطلاعيه رسمى دولت گفته بود همه بيان اسلحه هاشونو تحويل بدن اين ها تحويل نداده بودن رسماً سال ۱۳۶۰ اعلام جنگ مسلحانه كردن و با اسلحه به جان ملت مظلوم ايران افتادن.

لوئيس: مى دونستى كه مجاهدين محكوم كرده حمله عراق رو به ايران؟ حميد نوري: بله.

لوئيس: مى دونستى اونا هم نيروهاى خودشونو فرستاده بودن به جبهه؟

نوري: اينو نمى دونستم. فكر هم نكنم اگر هم مى فرستاده بودن به نظر من نظر شخصيمه براى خيانت و اطلاعات جمع كردن از جبهه هاى جنگ بود. به نظر من نظر شخصى خودمه رسمى نيست چون اين ها از قبلش مخالفت هاشونو غير علنيش كرده بودن از دل و قلب شون كسى اطلاع نداشت اما از لحاظ من اين ا برنامه داشتن نظر شخصى منه.

.....

اتهامات حمید نوری و قوانین کیفری پیش از یک ژوئیه ۲۰۱۴ در سوئد.

اتهاماتی که دادستان تاکنون به حمید نوری منتسب کرده است «جرم علیه قوانین بین‌الملل، جرم فاحش، و قتل عمد» است که در قانون مجازات عمومی ۱۹۶۵ سوئد (متن پیش از ۱ ژوئیه ۲۰۱۴) این چنین تعریف شده‌اند:

فصل ۳، بخش ۱ «جرایم علیه حیات و سلامتی»: «هر کس که زندگی را از دیگری بگیرد برای (ارتکاب به) قتل عمد به ۱۰ سال زندان یا حبس ابد محکوم خواهد شد.»

فصل ۲۲، بخش ۶ «درباره خیانت و دیگر موارد»: «هر کس که در نقض جدی ... یک اصل یا قاعده کلی شناخته شده مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی حاکم بر درگیری‌های مسلحانه مقصر باشد برای (ارتکاب به) جرم علیه قوانین بین‌المللی به حداکثر چهار سال حبس محکوم می‌شود. ... اگر جرم فاحش باشد، مجازات آن حبس برای حداکثر ۱۰ سال یا حبس ابد خواهد بود. در ارزیابی این که آیا جرم فاحش است، بایستی بویژه به زیاد بودن تعداد اعمال فردی انجام شده، یا زیاد بودن تعداد افراد کشته یا زخمی شده، یا گسترده بودن مالی که بر اثر ارتکاب جرم از دست رفته است توجه کرد.»

بنابر این علاوه بر جرم عادی «قتل عمد»، جرم بین‌المللی «جنایت جنگی» نیز جزو اتهامات حمید نوری است اما این که دادستان سوئد در کنار «قتل عمد» جرایم عادی دیگری را هم به اتهامات حمید نوری اضافه کند و این که «جنایت جنگی» منتسب به او را با کدام درگیری مسلحانه پیوند دهد هنوز مشخص نیست. قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ با دو درگیری مسلحانه هم‌زمان بوده است: یکی درگیری «بین‌المللی» جنگ هشت ساله ایران و عراق که رسماً در یک شهریور ۱۳۶۷ پایان یافت و دیگری درگیری «غیر بین‌المللی» نیروهای نظامی دولتی با سازمان مجاهدین خلق ایران که از سوم تا هفتم مرداد ۱۳۶۷ جریان داشت.

حمید نوری در آخرین جلسه مواجهه با بازجویانش به تشکر و سرزنش آن‌ها می‌پردازد:

از زحمات آن‌ها تشکر می‌کند؛ از این که یک سال و سه ماه از او بازجویی کرده‌اند؛ از تحقیقات دشوار و فشاری که بر او وارد کرده‌اند شکوه می‌کند؛ یادآوری می‌کند که از دوازده پلیسی که توی این تحقیقات وارد شده‌اند، ده نفر مستقیماً از او بازجویی کرده‌اند؛ پنج دادستان در پرونده او حضور دارند و تاکنون پنج قاضی برای تمدید بازداشت او حکم داده‌اند. و بعد اضافه می‌کند که علاوه بر ۲۲ نفری که گفته عده‌ای دیگر هم در پشت صحنه دخالت داشته‌اند. می‌گوید طبق مدرکی که امروز به او داده‌اند، پرونده ۱۱۴ شاکی دارد. (نوری لیست اعدام‌شدگان مجاهد را با لیست شاکیان اشتباه گرفته) می‌گوید علاوه بر این‌ها ۵۰ مترجم هم در این پرونده حضور داشته‌اند، این می‌شود ۲۰۰ نفر. یعنی ۲۰۰ نفر علیه یک نفر، علیه او، حمید نوری. سپس از بازجوها می‌خواهد که سلامش را به دادستان کریستینا لینهوف برسانند و برای اسناد و مدارکی که امروز به او داده‌اند باز هم تشکر می‌کند، اگرچه به نظرش این مدارک پر از ایراد است و حتماً از طریق وکلایش ایرادات را به اطلاع بازجوها می‌رساند. و باز هم برای زحمات زیادی که همه برایش کشیده‌اند تشکر کرده و برای همه آن‌ها آرزوی سلامتی می‌کند.

سپس می‌گوید این تنها مقدمه حرف‌های او بوده و ادامه می‌دهد که هیچ چیز جدیدی توی این مدارکی که امروز به او داده‌اند وجود ندارد و همه آن‌ها حرف‌هایی است که دادستان همان روز اول در دادگاه بازداشت گفته است. برای خودش اظهار تاسف می‌کند؛ برای بازجوها و بقیه هم به هم‌چنین که حرف‌هاشان همان حرف‌های سابق است تنها کمی «چرب‌تر ... حرف‌های از اول تا آخر دروغ ...»

او با طعنه می‌گوید: «یک تحقیقات بزرگ و مفصل و بقول بازجوها بین‌المللی»، «قتل عامی که تا حالا در جهان سابقه نداشته»، «شما را بازی داده‌اند»، «شما را فریب داده‌اند»، «شما خیلی ساده‌لوحانه عمل کرده‌اید.» در ادامه می‌گوید که مدارکی (متن بازجویی از شاکیان) که در عرض یک‌سال و دو ماه به او داده‌اند پر از اشکال است و عمداً هم به ترتیب تاریخ (بازجویی) به او داده نشده‌اند.

روند دادگاه حمید نوری به شکل زیر برنامه‌ریزی شده است: در بخش اول گروهی از محققان و متخصصان به بررسی وقایع و سیر تاریخی اعدام‌ها در دهه شصت خواهد پرداخت. اسامی این محققان به شرح زیر است:

*دیوید تورفیل، دکترای الهیات در تاریخ ادیان در دانشگاه اوپسالا و مدرس ارشد و محقق در کالج دانشگاه Södertörn در استکهلم سوئد که تحقیقات خود را درباره اسلام شیعه، ایران‌شناسی و آیین‌شناسی انجام داده است.

*پروفسور جان کی. کلفنر، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه دفاع سوئد و استاد فوق‌العاده در دانشکده حقوق دانشگاه پرتوریا در آفریقای جنوبی. تحقیقات او در زمینه حقوق بین‌الملل عمومی با تمرکز ویژه بر حقوق بین‌الملل عملیات نظامی از جمله حقوق درگیری‌های مسلحانه و عملیات صلح، حقوق جزای بین‌المللی و حقوق بشر است.

*سالی لانگ ورث، کاندید دکتری حقوق بین‌الملل عمومی در دانشکده حقوق دانشگاه استکهلم. تحقیقات او بر رابطه بین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق استفاده از حق آزادی بیان در درگیری‌های مسلحانه متمرکز است.

*تورون لیندلهم، استاد روان‌شناسی اجتماعی و معاون گروه روان‌شناسی در دانشگاه استکهلم. حوزه تخصصی او «صحت در شهادت شاهدان عینی، تحریف حافظه در تصمیم‌گیری‌های قانونی و پزشکی و اشکال تصمیم‌گیری و عدالت درک شده» است.

*مارک کلمبرگ، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه استکهلم و عضو مرکز حقوق و عدالت بین‌المللی استکهلم.

*اُو برینگ، استاد بازنشسته حقوق بین‌الملل مرتبط با دانشگاه استکهلم و دانشگاه دفاع ملی سوئد و مشاور حقوقی سابق در وزارت امور خارجه سوئد.

*مارک آدم کمبلرگ، استاد حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه استکهلم.

*روزبه پارسی که تز دکترای خود را درباره مدرنیته، ناسیونالیسم و جنسیت در ایران بین دو جنگ جهانی نوشت. پارسی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ مدرس حقوق بشر و تاریخ در دانشگاه لوند سوئد بود.

شایان ذکر است که روزبه پارسی همانند برادرش ترسی پارسی که لابی جمهوری اسلامی در آمریکا را راه انداخته طرفدار جمهوری اسلامی است.

در مراحل دوم و سوم دادگاه به شکایات شاکیان و شهادت شهود رسیدگی خواهد کرد پرونده حمید نوری نزدیک به ۱۰۰ شاکی و شاهد دارد که همگی از خانواده‌های قربانیان سال ۶۷ یا جان به در بردگان هستند.

در گام‌های بعدی دادگاه حمید نوری (عباسی) به بررسی و صدور حکم می‌پردازد.

جلسه اول دادگاه از تاریخ ۱۰ آگوست ۲۰۲۱ برابر با ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ شروع و جلسه آخر در تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۲۲ برابر با ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد. دادگاه در مجموع ۹۳ جلسه خواهد داشت و در سه بخش پرونده بررسی می‌شود.

در پایان و در جمع‌بندی برمی‌گردم به ابتدای این بحث، عرض کردم دیکتاتورها و شکنجه‌گران افکار ویرانگر دارند. پس از پایان جنگ جهانی دوم و کشف ابعاد گسترده و دهشتناک جنایات نازی‌ها در اردوگاه‌های مرگ، این پرسش که چگونه و چرا خیل عظیمی از افرادی که به طبقات و بخش‌های گوناگون اجتماع تعلق داشتند، به شکل‌های گوناگون و

در مراحل مختلف، یا به‌طور مستقیم در این جنایات شرکت کردند و یا به نوعی در شبکه پیچیده طراحی و اجرای آن نقش بازی کرده‌اند مطرح شد. از همان سال‌های نخست پایان جنگ، محققان بسیاری در علوم انسانی برای یافتن پاسخی قانع‌کننده در این زمینه دست به یک سری تحقیقات دامن‌دار و وسیع زدند.

در حال حاضر بسیاری از تحقیقات بر سر این نکته اتفاق نظر دارند که نمی‌شود جنایت سازمان‌یافته سیاسی در عصر مدرن را تنها با توسل به تئوری‌های بالینی و بیمارهای گوناگون روانی توضیح داد. درک و مطالعه دقیق شرایط محیطی، نظام اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک و همین‌طور خانوادگی و خویشاوندی نقشی مهم بازی در این میان برعهده دارند که نباید آن‌ها را نادیده گرفت.

بنابراین خیلی روشن است که دیکتاتورها صرفاً با تبلیغات نمی‌توانند در قدرت بمانند و به «نیروی نظامی، پلیس مخفی، جاسوسان، مخبران، بازجویان و شکنجه‌گران» نیز احتیاج دارند. آنان به منظور اطاعت مطلق مردم از اوامر رهبر، ترس را به کمک این دستگاه‌های مخوف در جامعه جا می‌اندازند.

دیکتاتورها به جای اصلاح وضعیت و اعتراف به اشتباهات سهمیگن خود، همواره «رضایت» از حکومت را به افکار عمومی القا می‌کنند بنابراین دروغ و تظاهر ویژگی عمومی حاکمان مستبد و دیکتاتوری است.

در هر صورت این دادگاه رفت‌وآمد سران و مقامات جمهوری اسلامی به ویژه ابراهیم رئیسی به کشورهای غربی را سخت‌تر می‌کند. چرا که آن‌ها نگرانند نوری دستگیری و محاکمه شوند. به علاوه این دادگاه فرصتی را برای همه اپوزیسیون جمهوری اسلامی فراهم کرده است که از طریق همه رسانه‌ها فارسی زبان علیه کلیت جمهوری اسلامی افشاگری کنند.

ممنونم که حوصله کردید و به سخنان من گوش دادید. در بخش سؤال و جواب باز هم در خدمت‌تان خواهم بود.

ضمیمه:

فراخوان این سخنرانی

برنامه مشترک کمیته حقوق بشر و روابط عمومی کانون

جمعه ۱۰ دسامبر ۲۰۲۱

سخنران: بهرام رحمانی

موضوع سخنرانی: دادگاه حمید نوری

ساعت ۳۰:۷ شب به وقت واشینگتن

kanoon is inviting you to a scheduled Zoom meeting

Date: Friday, December 10, 2021 Time: 7:30 PM EST(USA & Canada)

Join Zoom Meeting

<https://us02web.zoom.us/j/7032021982?pwd=R1QzdnFBQzdvdzJjY1YvQXFJcXdpUT09>

Meeting ID: 703 202 1982

معرفی مختصری از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی بهرام رحمانی
از دوران نوجوانی با مسائل سیاسی و اجتماعی آشنا شد و به‌ویژه، عمیقاً از خرافات مذهبی دور شد. وی در انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، فعالانه شرکت داشت و برای اولین بار، فعالیت سیاسی خود را با سازمان پیکار و سپس با کومله و

پس از تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲، فعالیت خود را با این حزب ادامه داد. وی، در سال ۱۹۹۱، به دنبال اختلافات درونی حزب کمونیست ایران همراه با «فراکسیون کمونیسم کارگری» از حزب کمونیست ایران جدا شد و همراه با اعضا و کادرهای جدا شده از این حزب، یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست کارگری بود. در آوریل ۱۹۹۹ وی به همراه تعدادی از اعضا و کادرهای دیگر، صفوف حزب را ترک کرد.

بهرام در سال ۲۰۰۲، به حزب کمونیست ایران برگشت و در مسئولیت‌هایی همچون عضو کمیته مرکزی و کمیته خارج کشور حزب، عضو هیات تحریریه نشریه دو هفته‌نامه جهان امروز، همکار کومه‌له تی وی و عضو کمیته اجرایی این حزب فعالیت کرد. سرانجام به دلایل سیاسی از این حزب جدا شد.

بهرام، بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ سردبیر نشریه «بامداد» بود. آخرین شماره این نشریه، تحت عنوان «چنین گوید بامداد شاعر» (ویژه نامه بامداد به یاد احمد شاملو)، به صورت کتاب در پاییز ۲۰۰۰ توسط انتشارات آرش، منتشر شد. وی، همچنین با نشریات و شبکه‌های اجتماعی مختلفی همکاری داشته و هنوز هم دارد.

وی، در سال ۲۰۰۹، به عنوان دبیر انجمن قلم ایران (در تبعید) انتخاب شد و همان سال در کنگره جهانی پن در اتریش شرکت کرد. بهرام، عضو اتحادیه روزنامه نگاران سوئد، کانون نویسندگان سوئد و انجمن قلم سوئد است. وی، سردبیر بانگ، نشریه ماهانه کانون نویسندگان ایران در تبعید بود که سی و شش شماره از این نشریه منتشر شده است. بهرام همچنین مجدداً از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ پرزیدنت انجمن قلم ایران (در تبعید) بود و در کنگره ۲۰۱۳ پن جهانی در ایسلند، حضور داشت.

همچنین نگارش ۱۸ جلد کتاب و ترجمه درباره مسایل سیاسی و اجتماعی و صدها مقاله، بخش دیگری از تلاش‌های بی وقفه فرهنگی، سیاسی و فرهنگی ایشان است. اسامی کتاب‌های منتشر شده بهرام رحمانی، عبارتند از:

یک - مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی؛ ۲- زنان در اسارت جمهوری اسلامی؛ ۳- عزیز نسین، عزیز همگان؛ ۴- امید یک زندگی بهتر؛ ۵- مذهب، ناسیونالیسم و مساله زن؛ ۶- تاریخ شرمسار مردم کرد؛ ۷- افسانه جامعه مدنی؛ ۸- کشتن نویسندگان در دوران خانواده پهلوی و جمهوری اسلامی؛ ۹- اورهان پاموک و تابوهای دولت ترکیه، آزادی اندیشه و بیان؛ ۱۰- رهایی زن؛ ۱۱- من مرگ را سرودی کردم؛ ۱۲- جنبش‌های اجتماعی ایران؛ ۱۳- ناظم حکمت شاعر کمونیست همیشه زنده؛ ۱۴- سفاکت در قدرت دینی، جنایت در قدرت دولتی؛ ۱۵- صدای بلند جان‌های آزاده‌ی جهان از احمد کایا تا باب دیلان. ۱۶- رشد نژادپرستی در سوئد و اروپا و ایران. ۱۷- اندیشه‌های کارل مارکس در قرن بیست و یکم. ۱۸- کلاف رنگارنگ طنز - در گرامیداشت صدمین سالگرد تولد عزیز نسین - مترجم: بهرام رحمانی.

بهرام همچنین گفت‌وگوهایی از جمله با محمود صالحی درباره جنبش کارگری ایران از چهره‌های معروف جنبش کارگری ایران، رضا خندان (مه‌بادی) عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران درباره تاریخچه کانون نویسندگان ایران و ... داشته که به صورت کتاب توسط انتشارات کتاب ارزان منتشر شده‌اند و...

لینک ویدیویی این سخنرانی:

[Rahmani Bahram | کانون دوستداران فرهنگ ایران \(kanooneiranian.org\)](http://kanooneiranian.org)